

برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر ۱۹۷۹

کودک مدفون

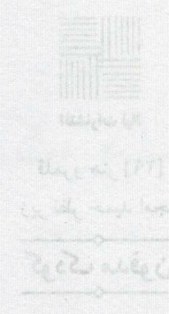
[نمایشنامه]

سام شپارد

برگردان آهو خردمند



انتشارات نیلا



کتابخانه ملی و اسنادی ایران
شماره ثبت کتاب: ۱۳۷۸
شماره ثبت اسناد: ۱۳۷۸
تاریخ ثبت: ۱۳۷۸

این کتاب در فهرست اسناد ملی ایران به شماره ثبت اسناد ۱۳۷۸ ثبت شده است.

نقش ها:

دوگی	هفتادساله
هالی	همسر دوگی، شصت و پنج ساله
تیلدن	پسر بزرگ هالی و دوگی
برادلی	پسر دوم هالی و دوگی، چلاق
وینسنت	پسر تیلدن
شلی	دوست وینسنت
پدر دیویس	کشیش پروتستان

کودک مدفون نخستین بار در ۲۷ ژوئن ۱۹۷۸ به کارگردانی رابرت وود در
محلیک تیه تر در سانفرانسیسکو اجرا شده است.

زمانی که باران سرانگشتانت می بارد
زمانی که باران استخوان هایت می بارد
و قهقهه از مغز استخوانت می ریزد
تو پرواز می کنی.
پابلو نرودا

پرده ی یکم

صحنه: روز؛ خانه ای ست قدیمی، با وسایل کهنه. در انتهای چپ
صحنه راه پله ای چوبی (بدون پاگرد) قرار دارد، که با فرش کهنه
پوشیده شده. در انتهای راست صحنه کاناپه ی کهنه و پاره ی
سبزرنگی ست که در طرف راست آن آباژور ایستاده و میزی
کوچک دیده می شود که روی آن چندین شیشه ی قرص است. در
انتهای چپ صحنه، پشت آباژور، ایوانی با کف چوبی ست و
پرده ای توری آن را از اتاق جدا کرده. در ورودی خانه درست کنار
کاناپه است، و در توری که به ایوان راه دارد در انتهای چپ صحنه
روبه روی کاناپه قرار گرفته. پایین کاناپه یک تلویزیون قدیمی
قهوه ای ست که نور آبی از صفحه اش می تابد - البته بدون حرکت.
صدایی از تلویزیون شنیده نمی شود. صحنه - به غیر از نور آباژور
و تلویزیون - تاریک است. به تدریج نور آن ها بالا می رود و همه ی
فضاهای تاریک را روشن می کند. از پنجره ی ایوان درخت نارونی
دیده می شود.

دوگی روی کاناپه رو به تلویزیون نشسته است. نور آبی تلویزیون
را روی صورت او می بینیم. او پیراهنی کهنه به تن دارد، با
سرپایی هایی قهوه ای و شلواری خاکی رنگ که بند شلوار به آن
وصل است. خودش را با پتوی قهوه ای رنگ کهنه ای پوشانده. خیلی
لاغر و ناخوش به نظر می رسد. به تلویزیون خیره شده؛ نور به آرامی